

کارکردشناسی تکرار قصه‌های قرآن با تأکید بر همبستگی آیات سوره‌ها در هدف (مطالعه موردی قصه قوم ثمود)*

علی اسدی^۱

چکیده:

درباره چرایی تکرار قصه‌های قرآن دیدگاه‌های متعددی مانند اعجاز بیانی، تکمیل تصاویر و صحنه‌های یک داستان، تأکید با هدف اثرگذاری بیشتر و جذب مخاطب با پرداخت‌های گوناگون یک داستان بیان شده است. این دیدگاه‌ها دچار چالش‌اند. تأمل در موضوع یا موضوعات اصلی سوره‌ها، به‌ویژه فضای اجتماعی و روانی نزول آنها، سیاق آیات و مقایسه پرداخت‌های گوناگون یک قصه در سوره‌های مختلف نشان می‌دهد که هدف اصلی از تکرار متفاوت قصه‌ها، به‌کارگیری آنها متناسب با هدف سوره‌هاست. یکی از این گونه قصه‌ها، داستان قوم ثمود است. این قصه در ۲۱ سوره آمده که دو سوره مدنی و بقیه مکی هستند. این قصه در بازه‌های زمانی متفاوت و ناظر به شرایط گوناگون پیامبر ﷺ، مسلمانان و دشمنان اسلام نازل شده و هرکدام هدف جداگانه‌ای داشته‌اند. از جمله می‌توان به این اهداف اشاره کرد: هشدار شدید به مشرکان، منافقان و تکذیب‌کنندگان آیات و آموزه‌های الهی در موقعیت‌های گوناگون، دلداری به پیامبر و مسلمانان در شرایط مختلف، طرح و تعلیم آموزه‌های مهم خداشناختی و معادشناختی، بیان سنت‌های الهی و پاسخ به مشرکان و دفاع از دعوت توحیدی. قصه ثمود و بخش‌های مختلف آن متناسب با این اهداف در سوره‌ها یاد و گزارش شده است.

کلیدواژه‌ها:

داستان‌های قرآن / قوم ثمود / اهداف سوره‌ها / تکرار قصه‌ها در قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.52001.2175



طرح مسأله

شماری از قصه‌های قرآن بارها با صحنه‌ها و الفاظ متفاوت در سوره‌های مختلف تکرار شده‌اند. درباره چرایی این تکرار که همواره پرسش‌برانگیز بوده، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. شماری آن را جلوه‌ای از اعجاز بیانی قرآن دانسته و گفته‌اند که آمدن یک قصه با بیان‌های گوناگون بدون تغییر پیام و معنای آن و ناتوانی دیگران از چنین بیان متنوعی، معجزه بودن قرآن را می‌رساند. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ص ۱۸۳؛ خمینی، ۱۳۶۲، ج ۴: ص ۵۱۰؛ بغدادی، بی‌تا، ص ۲۳۲) پذیرش اصل اشکال تکرار، وجود تفاوت بین پیام پرداخت‌های مختلف یک قصه و یکسان نبودن آن، از چالش‌های پیش روی این دیدگاه است.

برخی دیگر هدف اصلی از تکرار قصه‌ها را تکمیل تصویرها و صحنه‌ها و افزودن به قدرت تجسم و عینیت مخاطبان از طریق آوردن عناصر نو به تناسب فضای بازگویی هر قصه گفته‌اند. (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۵۳) اصالت دادن به برخی روش‌های رایج در داستان‌های هنری و تطبیق آن بر قصه‌های قرآن، چرایی به‌کار نرفتن این شیوه در همه قصه‌های قرآن و ناسازگاری آن با هدف هدایتی قرآن، چالش‌های پیش روی این دیدگاه‌اند. توضیح اینکه شیوه‌های رایج در داستان‌های هنری به‌خودی خود در قرآن موضوعیت ندارند. غرض اصلی قرآن، به‌کارگیری قصه و صحنه‌های مختلف آن در راستای اهداف تعلیمی و تربیتی خویش است و هر کدام از پرداخت‌های یک قصه هرچند کامل هم نباشد، به‌تنهایی هدف مورد نظر قرآن را تأمین می‌کند. البته به‌صورت طبیعی با کنار هم قرار دادن پرداخت‌های مختلف یک داستان، تصویر کاملی از آن هم به‌دست می‌آید. تکرار به‌عنوان یک روش تربیتی با هدف تأکید و اثرگذاری بیشتر و ناکارآمدی اجمال‌گویی در این زمینه، (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ص ۱۸۳؛ خمینی، ۱۳۶۲، ج ۴: ص ۸۴) و استفاده از پرداخت‌های گوناگون برای جذب بیشتر مخاطب و خسته نشدن او، دو دیدگاه دیگر در این زمینه‌اند. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ص ۱۸۴)

اشکال این دو دیدگاه آن است که تکرار با هدف تأکید برای اثرگذاری بیشتر و نیز جذب مخاطب، درباره آموزه‌های دیگر قرآن نیز قابل طرح‌اند و نباید اختصاص

به قصه‌ها داشته باشد و بر فرض پذیرش، باید آموزه‌های دیگر نیز به همین اندازه تکرار می‌شدند و مخاطبان را جذب می‌کردند، درحالی که تکرار درباره بیشتر نزدیک به همه آنها روی نداده است.

تکرار به تناسب بیان اهداف گوناگون، بیان سنت‌ها و قوانین اخلاقی و تاریخی و پیوند دادن آنها با حوادث جامعه اسلامی و مفاهیم دینی (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶۶). دیدگاه پنجمی است که به صورت کلی و مجمل گفته شده است. اصل این دیدگاه پذیرفتنی است، اما چارچوب نظری مشخص، روشن و تبیین شده ندارد و مهم‌تر اینکه به صورت موردی درباره هیچ یک از قصه‌های قرآن بررسی و تطبیق نشده است.

فرضیه

تأمل در موضوع یا موضوعات اصلی سوره‌ها، به‌ویژه فضای نزول آنها، سیاق آیات و مقایسه صحنه‌ها و عناصر گوناگون یک قصه در سوره‌های مختلف نشان می‌دهد که هدف اصلی از تکرار متفاوت و گاه نسبتاً یکسان قصه‌ها، به‌کارگیری آنها متناسب با هدف اصلی سوره‌هاست. بر اساس این دیدگاه، تک‌تک سوره‌ها ناظر به شرایط و حوادث خاص اجتماعی، دینی، فکری و روانی، نازل شده و دارای هدف واحد آموزشی و تربیتی است و همه آیات یک سوره باوجود داشتن موضوعات مختلف، با هدف اصلی سوره پیوند خورده‌اند. بر همین اساس و با توجه به هدف متفاوت هر سوره، صحنه‌های گزینش‌شده یک قصه برای هر سوره‌ای، همچنین نوع پرداخت، عناصر اصلی، الفاظ و مختصر و مفصل بودن آن قصه نیز کاملاً هماهنگ با هدف آن سوره بوده و در مقایسه با سوره‌های دیگر متفاوت‌اند. بر اساس این دیدگاه، بر فرض اگر قصه‌ای حتی عیناً هم تکرار شده باشد، نمی‌توان بر قرآن خرده گرفت؛ زیرا با توجه به تفاوت هدف تعلیمی و تربیتی یک سوره، قصه دقیقاً برای تبیین آن هدف و متناسب با آن به‌کار رفته و این جنبه آن برجسته شده است.

درباره کارکردشناسی تکرار قصه‌های قرآن با تأکید بر همبستگی آیات سوره‌ها در هدف، به‌ویژه با مطالعه موردی و کامل یکی از قصه‌ها، پژوهشی یافت نشد. البته شماری از مفسران به‌ویژه برخی معاصران در بحث‌هایی مانند اهداف و مقاصد سوره‌ها، وحدت موضوعی سوره‌ها و تناسب آیات و سوره‌ها، مطالب پراکنده و کلی درباره این موضوع گفته‌اند. بحث اهداف و مقاصد سوره‌ها هرچند از مباحث نوپدید در تفسیر است، اما مفسران گذشته به‌صورت بسیار کلی و گذرا به آن اشاره کرده‌اند (زرکشی ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۱۳۲؛ شاطبی، بی‌تا، ج ۳: ص ۲۴۹-۲۵۴). در میان مفسران معاصر نیز محمد عبده، سید قطب، علامه طباطبایی، مصطفی مراغی، ابن عاشور، محمدهادی معرفت، مکارم شیرازی و جوادی آملی و برخی دیگر این موضوع را پذیرفته و پی گرفته‌اند. (خالدی، ۱۴۱۸ق، ص ۹۵؛ طباطبایی ۱۳۷۱، ج ۱: ص ۱۶؛ شحاته، ۱۹۹۸، ج ۱: ص ۶ و ج ۶: ص ۴۲۲)

ضرورت پژوهش

شیوه اختصاصی قرآن در بیان معارف به‌ویژه روایت قصه‌ها، همواره پرسش‌برانگیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که برخی، از جمله شماری از خاورشناسان با نگرش سطحی، سوره‌های قرآن را اغلب فاقد نظم و انسجام منطقی دانسته و از گسیختگی و پراکنده‌گویی آن سخن گفته‌اند (بلاشر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۱؛ گلدزیهر، ۱۳۵۷، ص ۲۹). کارکردشناسی قصه‌های قرآن با تأکید بر همبستگی درونی سوره‌ها بر پایه هدف می‌تواند پاسخگوی این پرسش‌ها و چالش‌ها باشد و از پیوند منطقی و درونی آیات هر یک از سوره‌ها و دلیل روایت گزینش‌شده، هدفمند و غیرخطی قصه‌ها و صحنه‌پردازی‌های ویژه، مختصر یا مفصل‌گویی، مسجع یا نامسجع بودن، نپرداختن به جزئیات و رعایت نکردن ترتیب و سیر تاریخی در روایت آنها و خیلی دیگر از تفاوت‌های قصه‌های قرآنی با قصه‌ها و داستان‌های رایج بشری پرده بردارد.



آشنایی با قوم ثمود

ثمود نام قوم صالح علیه السلام، از قبایل نامدار باستانی و از طبقه اعراب «عاریه» (= عرب‌های ساکن شبه‌جزیره پیش از آمدن اسماعیل علیه السلام) و «بائده» (= منقرض شده) است (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۴۱). قوم ثمود پیش از ابراهیم علیه السلام زندگی می‌کرده‌اند. بر اساس گزارش تورات (کتاب مقدس، خروج ۲: ۱۶-۲۲)، برخی آیات (نک: قصص: ۲۱-۲۳)، احادیث (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۴۲) و گزارش‌های تاریخی و تفسیری (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۲۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۳۷۳)، شعیب علیه السلام معاصر موسی علیه السلام بود و در انداز قوم خویش به سرنوشت قوم نوح، هود و صالح (ثمود) و لوط اشاره می‌کند (هود: ۸۹). با توجه به معاصر بودن لوط علیه السلام با ابراهیم علیه السلام، روشن می‌شود که صالح علیه السلام و ثمود پیش از ابراهیم علیه السلام بوده‌اند.

قرآن به‌صراحت از زیستگاه ثمود یاد نمی‌کند، اما قریب به‌اتفاق مورخان (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۲؛ طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۳۹) و مفسران با تطبیق «اصحاب حجر» (حجر: ۸۰-۸۳) بر قوم ثمود، محل زیست ثمود را سرزمین «حِجْر» دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ص ۱۲۷). این آیات، از زندگی هر دو گروه در خانه‌های سنگی کنده‌شده در کوه‌ها و صخره‌ها و نابودی آنان با صیحه آسمانی حکایت می‌کنند (حجر: ۸۰-۸۳؛ هود: ۶۷؛ شعراء: ۱۴۹). گزارش‌های تاریخی (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۳۹) و روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زمینه‌ساز این تطبیق بوده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۲۹۹). بر اساس این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر حرکت به سوی جبهه تبوک واقع در مرزهای شام (سال ۹ هجری) با اشاره به آثار برجای‌مانده از سرزمین «حِجْر»، آن را دیار قوم صالح علیه السلام و نفرین‌شده خواند. «حجر» در شبه‌جزیره عرب قرار دارد (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۳۹) و این با آشنایی قریب با سرزمین ثمود و عبور از کنار ویرانه‌های برجای‌مانده از آن تأیید می‌شود (عنکبوت: ۳۸؛ طه: ۱۲۸).

شهر الحجر از اطراف به تیماء، دومة الجندل، غلاء، تبوک، وادی القری و دریای سرخ محدود می‌شود (بکری، ۱۹۹۲، ص ۵۹۷؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۲: ص ۲۲۱). اعراب بدوی از الحجر با نام مدائن صالح علیه السلام نیز یاد می‌کنند. فاصله مدائن صالح



از راه خیبر تا مدینه در جنوب شرقی، ۳۵۶ و از راه خیبر و مدینه تا شهر بندری جدّه ۷۸۰ و تا شهر ریاض پایتخت عربستان ۱۳۷۱ کیلومتر است. (شوقی، ۲۰۰۳، صص ۲۰۴ و ۲۱۴؛ قثامی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۱)

کارکردشناسی تکرار قصه ثمود

نام قوم ثمود ۲۶ بار در ۲۱ سوره قرآن آمده است (برای نمونه: اعراف: ۷۳؛ هود: ۶۸ و ۹۵؛ فصلت: ۱۳ و ۱۷؛ ق: ۱۲). دوبار نیز با عنوان «قوم صالح» و «اصحاب الحجر» یاد شده‌اند (هود: ۸۹؛ حجر: ۸۰). بیشتر این سوره‌ها مکی و تنها سوره حج و توبه مدنی هستند. این سوره‌ها در بازه‌های زمانی متفاوت، ناظر به شرایط اجتماعی، روحی-روانی و مذهبی گوناگون پیامبر ﷺ، مسلمانان و دشمنان اسلام نازل شده و هرکدام هدفی جداگانه داشته‌اند. اهداف این سوره‌ها یکی پس از دیگری و طبق ترتیبی که آیت‌الله معرفت برای نزول سوره‌ها گفته‌اند، بررسی و بر قصه قوم ثمود تطبیق می‌شوند.

۱. هشدار شدید درباره پیامد سرکشی و فسادانگیزی

قصه قوم ثمود نخستین بار در سوره فجر (دهمین سوره مکی) آمده است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۵). خداوند در آغاز سوگندهای سختی یاد می‌کند مبنی بر اینکه در کمین طغیانگران و مفسدان است و آنان را سخت و سریع عذاب می‌کند و این سوگندها را برای خردمندان، رسا و بازدارنده می‌داند (فجر: ۱-۵ و ۱۴). در ادامه سه قوم بسیار قدرتمند عاده، ثمود و فرعون یاد می‌شوند که به سبب طغیانگری و فسادانگیزی فراوان، با عذاب الهی نابود شدند: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ... وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ... الَّذِينَ طَعَفُوا فِي الْبِلَادِ* فَآكْتَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ* فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر: ۶-۱۳). این سوره بدون بیان جزئیات، در کنار بیان کلی سبب هلاکت اقوام یادشده، روی برجسته‌ترین نماد قدرت و عظمت آنان، مانند خانه‌های بسیار محکم سنگی ثمودیان در دل صخره‌ها و ناکارآمدی آنها در برابر عذاب الهی تأکید می‌کند. سوگندهای یادشده و این تصویرپردازی کلی،

هشدار سختی به مشرکان مکه و دیگران است که در صورت طغیانگری و فسادانگیزی فراوان، به سرنوشت اقوام یادشده گرفتار خواهند شد. به‌ویژه اینکه نسبت به آنان بسیار ناتوان‌ترند (فخررازی، بی‌تا، ج ۳۱: ص ۱۶۷؛ طنطاوی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ص ۳۸۸). روش استفهام در آیات ۶-۱۳ نشان می‌دهد که مشرکان قریش با سرگذشت اقوام یادشده آشنا بوده‌اند و این بر اثرپذیری از سرنوشت آنان می‌افزاید. (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۵۳۴)

۲. توحید در ربوبیت

دومین یادکرد ثمود در سوره نجم (بیست‌وسومین سوره مکی) آمده است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۵). برخی نزول آن را در ماه رمضان سال پنجم بعثت دانسته‌اند (بروسوی، ۱۴۲۱ق، ج ۹: ص ۲۰۸). هدف اصلی سوره متناسب با فضای فکری و مذهبی مکه و تبیین مسائل مهمی از سه اصل اعتقادی توحید، نبوت و معاد بوده و با تهدیدهای کوبنده و هشدارهای مکرر برای بیداری مشرکان همراه است. آیات کوتاه این سوره با آهنگ ویژه در کنار سوگندهای مختلف آغازین، در مخاطب اثر شگفتی می‌گذارد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ص ۳۴۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ص ۲۶). نفی نسبت گمراهی و خطا به پیامبر ﷺ، تأکید بر وحیانی بودن آموزه‌های وی، نفی نقش بت‌ها در تدبیر جهان و تأکید بر توحید در ربوبیت و مسأله معاد، سه موضوع اصلی این سوره‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ص ۲۶). یادکرد قوم ثمود و دیگر اقوام هلاک‌شده نیز در راستای بیان توحید در ربوبیت و نفی پندارهای ناروای مشرکان در این باره است. آنان فرشتگان را دختران خدا و مقرب درگاه الهی دانسته و بت‌ها را به‌عنوان تندیس فرشتگان و برای برخوردارگی از شفاعت آنها پرستش می‌کردند. خداوند با نفی این پندارها، تدبیر همه امور دنیا و آخرت از جمله هلاکت اقوام ستمگر و سرکش را به‌دست خویش می‌داند (نجم: ۱۹-۲۴). (همان: ص ۴۴)

بر پایه ظاهر آیات ۳۳ الی ۳۸ و نیز گزارش‌های تفسیری، یکی از مسلمانان مکه در راه خدا انفاق می‌کرد. برخی با سرزنش و ترساندن وی از تمام شدن دارایی و تنگدستی، گفتند که در صورت خودداری از انفاق، گناه او را به گردن می‌گیرند.



قرآن چنین پنداری را نادرست خوانده و در بیان توحید ربوبی، تدبیر همه امور آفریدگان از جمله فقر و بی‌نیازی و نیز هلاکت اقوام گوناگونی مانند قوم نوح، عاد و ثمود را به خداوند نسبت می‌دهد (نجم: ۳۳-۵۴) (همان). در اینجا بدون اشاره به جزئیات قصه، فقط هلاکت همه کافران قوم عاد و ثمود به‌عنوان نمونه‌ای از ربوبیت توحیدی به خداوند نسبت داده شده است: «وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ * وَثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ» (نجم: ۵۰-۵۱) و در ادامه، سخن متوجه مشرکان مکه شده و تأکید می‌شود که همه موارد یادشده درباره توحید در ربوبیت، از جمله هلاک ساختن همه کافران ثمود در صحف ابراهیم و موسی علیهم‌السلام آمده است و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آموزه‌های وی نیز با وجود شگفتی و انکار مشرکان، همانند آن پیامبران و آموزه‌های آنهاست و پدیده جدیدی نیست.

۳. گناه، عامل شقاوت و بدبختی انسان

در سوره شمس (بیست و ششمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۵)، قوم ثمود نمونه کسانی یاد شده‌اند که به سبب آلودگی به «فجور» و «بی‌تقوایی»، گرفتار سرکشی و شقاوت گشته و از رستگاری محروم ماندند. بر اساس این سوره، هنگام آفرینش روح آدمی (نفس)، گونه‌ای از شناخت در ارتباط با «تقوا و فجور» به وی داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۹۷) و خداوند در ابتدای سوره، یازده سوگند یاد می‌کند که اگر کسی بر اساس شناخت یادشده و با گزینش آزادانه تقوا، به تزکیه نفس خود پردازد، با رسیدن به کمال انسانی، رستگار می‌شود و کسی که به سبب آلوده شدن به «فجور»، توانمندی‌های روحی خود را تباه ساخته و از رسیدن به کمال باز ماند، نادم و ناامید می‌گردد (شمس: ۷-۱۰). در ادامه برای نمونه به قصه قوم ثمود اشاره می‌شود که چگونه به سبب طغیانگری و تکذیب آیات الهی، از تهذیب نفس رویگردان و به شقاوت ابدی گرفتار شدند: «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغَوَاهَا * إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا * فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا * فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (شمس: ۱۱-۱۴) (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲۷: ص ۴۵). این سوره در مقایسه با سوره فجر، داده‌های بیشتری

درباره طغیانگری و شقاوت قوم ثمود دارد و می‌فرماید: پیامبر خدا (صالح) به آنان گفت که ناقه، آیت خداست و سهم آب آن را رعایت کرده و آسیبی به آن نرسانید، اما ثمودیان باوجود این آگاهی‌ها، پیامبر خدا را تکذیب و به‌وسیله شقی‌ترین فرد خود، ناقه صالح را پی کردند و خداوند آنان را به کیفر گناهشان عذاب و با خاک یکسان کرد. بیان قصه قوم ثمود در این سوره نیز هشدار به مشرکان مکه است تا مبدا با تکذیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به سرنوشتی مانند قوم ثمود گرفتار نشوند. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۹۶)

۴. هشدار جدی به مشرکان شکنجه‌گر مکه

هنگامی که مسلمانان با شدیدترین شکنجه‌ها و آزار و اذیت مشرکان مکه روبه‌رو بودند، سوره بروج (بیست‌وهفتمین سوره مکی) نازل شد (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۵). در این زمان مشرکان، برخورد خشن و مبارزه شدید با اسلام و مسلمانان را آغاز کرده بودند. سوره بروج که سوزاندن گروهی از مؤمنان را به جرم ایمان به خدا در گودالی از آتش حکایت می‌کند، با تصویر یکی از شورانگیزترین صحنه‌های جدال کفر و ایمان، مؤمنان را به پایداری فرا خوانده و با ترسیم جایگاه و فرجام بد کافران شکنجه‌گر و پاداش و فرجام بسیار خوش مؤمنان، انذار و تبشیر می‌کند (بروج: ۱-۱۱).

داستان اخدود به‌عنوان یکی از قهرآمیزترین برخوردهای کافران با مؤمنان، چه بسا در نوع خود بی‌نظیر تلقی شده و در دل مؤمنان هراس افکند، ازاین‌رو آیات بعدی در ارتباط با حادثه و پیام کلی سوره، از جمله تأکید و تقریری از انذار و تبشیر در آیات پیشین است. برای همین، انتقام خدا و مجازات کافران بسیار شدیدتر وصف می‌شود: «إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» (بروج: ۱۲) (طبرسی ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۱۰؛ طباطبایی ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۵۲). آیات ۱۵-۱۸ گویا به این پرسش احتمالی برخاسته از گزارش پاسخ می‌دهد که چرا برخلاف بسیاری از نزاع‌های کفر و ایمان به روایت قرآن، کافران گرفتار عذاب نشده و مؤمنان نجات نیافتند؟ ازاین‌رو قرآن با مقایسه بین داستان‌های اخدود، فرعون و ثمود، با نتیجه متفاوت هریک، از «فعال



ما یشاء» بودن خدا بر اساس حکمت خویش سخن می‌گوید: «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيد» (بروج: ۱۶) که گاهی بر نجات مؤمنان مانند بنی اسرائیل، حاکمیت چند صباح آنها و عذاب فرعون و سربازانش در این دنیا، و گاهی نیز بر هلاکت همه کافران قوم ثمود و نجات گروه مؤمنان تعلق می‌گیرد: «هَلْ آتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنٌ وَثَمُودُ» (بروج: ۱۷-۱۸). گاهی هم مشیت او کشته شدن مؤمنان، پیروزی ظاهری کافران و مهلت آنها تا روز قیامت را می‌طلبد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص: ۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ص ۲۵۲). درک این حقیقت که همه حوادث یادشده با نتایج متفاوت بر اساس اراده حکیمانه خداوند رقم می‌خورد، مایه آرامش پیامبر ﷺ و مؤمنان شده و آنان را به رضای او راضی می‌کند.

۵. هشدار به منکران معاد

موضوع محوری سوره «ق» مسأله معاد است. در آغاز سوره (سی و چهارمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، سخن مشرکان مکه درباره باور نکردنی بودن زنده شدن مردگان پس از تبدیل شدن به خاک گزارش و در ادامه برای اثبات معاد، مظاهر مختلف قدرت بی‌انتهای خداوند بیان و زنده شدن زمین مرده پس از نزول باران به زنده شدن و بیرون آمدن مردگان از زیر خاک تشبیه می‌شود (ق: ۳، ۶، ۹-۱۱) (طوسی، بی تا، ج ۹: ص ۳۵۸-۳۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ص ۳۳۷) و در ادامه با هدف هشدار به منکران و دل‌داری به پیامبر ﷺ، از اقوامی مانند ثمود یاد می‌کند که در پی تکذیب انبیای الهی و مسأله معاد، عذاب و نابود شدند: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ...» (ق: ۱۲-۱۴). این سوره نیز بدون بیان جزئیات، فقط به تکذیب اقوام گذشته و محقق شدن وعده عذاب الهی درباره آنان اشاره می‌کند.

۶. تهدید و هشدار جدی به تکذیب‌کنندگان معجزه شق القمر

سوره قمر سی و هفتمین سوره مکی است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶) و به جز دو آیه آخر آن، اختصاص به تهدید مشرکان مکه دارد و در پی تکذیب معجزه

شق القمر نازل گردید (طوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ص ۴۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ص ۵۵). موضوعات این سوره در سوره‌های مختلف مکی آمده‌اند، اما این سوره با لحنی بسیار قاطع، کوبنده و موزون، به روایت آنها می‌پردازد؛ به گونه‌ای که مخاطب را دچار هراس شدیدی می‌کند. نزول این سوره پس از تکذیب‌های مکرر پیامبر اکرم و اثرناپذیری مشرکان از انذارهای پیشین بوده است؛ به گونه‌ای که خداوند از پیامبر اکرم می‌خواهد از انذار آنان دست برداشته و آنان را به روز قیامت واگذارد (قمر: ۱-۸). در آغاز و پایان سوره دو صحنه از صحنه‌های عذاب تکذیب‌کنندگان انبیا در روز قیامت گزارش و در میان آنها، ضمن گزارش گزیده و در عین حال روشن‌تر و جزئی‌تر نسبت به سابق درباره سخنان اقوامی مانند ثمود در تکذیب پیامبران خویش، معجزات و هشدارهای پیامبران آنها و نوع و صحنه‌های دردناک عذاب آنان روایت می‌شود. در پایان روایت صحنه‌های عذاب هر یک از اقوام با تکرار جمله: «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي»، اثرپذیری از آیات قرآن را یادآوری می‌کند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر: ۹-۴۰). (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ص ۳۴۲۴)

در این سوره بهانه‌های اقوام یادشده در تکذیب پیامبران خویش و صحنه عذاب آنها برجسته شده است. از جمله قوم ثمود پیروی از صالح عليه السلام را به دلیل اینکه بشری مانند خود آنها و فاقد ثروت، موقعیت و قدرت اجتماعی بود، گمراهی و دیوانگی محض می‌خواندند و اینکه چگونه از بین آنها وحی فقط بر او نازل شد و او را به سبب این ادعا، بسیار دروغگو و متکبر می‌خواندند که می‌خواهد با ادعای پیامبری بر آنان بزرگی کند: «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ * فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِدَّا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ * أَوْلَقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ» (قمر: ۲۳-۲۵).

سخنان ناروای ثمود در تکذیب صالح عليه السلام بسیار شبیه سخنانی است که مشرکان قریش در تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفتند. آنها نیز بشر بودن وی را خرده گرفته و می‌گفتند: این چگونه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای همراه وی برای انذار نازل نشده است؟ (فرقان: ۷) همچنین می‌گفتند که چرا قرآن بر یکی از مردان بزرگ و ثروتمند مکه و طائف نازل نشده (زخرف: ۳۱) و بلکه بر مردی فقیر و فاقد موقعیت برجسته اجتماعی نازل شده است؟



در ادامه، دادن معجزه شتر به صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ، سفارش وی به صبر و انتظار، خبر دادن به ثمود مبنی بر تقسیم آب بین خود و شتر و همدستی آنان برای کشتن ناقه صالح بدون بیان جزئیات گزارش می‌شود: «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ* وَبَيْنَهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ* فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ» (قمر: ۲۷-۲۹). آن‌گاه با یک جمله تکان‌دهنده، انذارها و عذاب الهی درباره ثمود را سخت خواننده و آن را در قالب جملاتی کوتاه برای مخاطب مجسم می‌سازد: «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي* إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ» (قمر: ۳۰-۳۱). در این سوره نام عذاب قوم ثمود و اوج ناتوانی آنها در برابر عذاب و تصویر رقت‌انگیز آنان برای اثرگذاری بیشتر در مخاطب ترسیم و با استفاده از این صحنه‌پردازی و تأثیر آن، مخاطبان را به متذکر شدن و عبرت گرفتن فرا می‌خواند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر: ۳۲).

۷. دلداری به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

نسبت جادوگری و دروغگویی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی مشرکان، ابراز شگفتی آنان از دعوت به یگانه‌پرستی و نفی چندگانه‌پرستی، بی‌سابقه خواندن چنین دعوتی و توصیه یکدیگر به مقاومت سرسختانه بر سر آیین شرک‌آلود، سبب دیگری برای اندوه آن حضرت بود. خداوند برای دلداری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ریشه این برخوردها را نه کوتاهی قرآن در بیان معارف، بلکه خودبرتربینی دشمنان می‌خواند و اینکه اگر آنان نیز همانند اقوام گذشته عذاب الهی را ببینند، به حقانیت قرآن اعتراف می‌کنند. در ادامه، مشرکان به گروه‌های تشکل‌یافته پیشین همانند شده‌اند که در پی دشمنی با پیامبران خویش نبود شدند. اینان نیز تنها با یک خروش آسمانی نابود می‌شوند: «وَالْقُرْآنَ ذِي الذِّكْرِ* بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ* ... كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ* وَثَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ» (ص: ۱-۸، ۱۲-۱۵). (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ص ۱۸۱)

سوره «ص» سی‌وهشتمین سوره مکی است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶). آیات آغازین آن را درباره گروهی از مشرکان به سرکردگی ابوجهل دانسته‌اند که از

ابوطالب خواستند تا پیامبر ﷺ را از دعوت به یگانه‌پرستی و بدگویی از بت‌های آنان باز دارد و در واکنش به تأکید آن حضرت بر دعوت خویش، از آن رویگردان شدند (ص: ۲-۸) (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج: ۳، ص: ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج: ۸، ص: ۳۴۲). هدف اصلی سوره، دلداری دادن به پیامبر ﷺ و توصیه او به بردباری در برابر سخنان ناروای مشرکان است، برای همین از یک سو بدون هرگونه گزارشی درباره اقوام گذشته از جمله ثمود، فقط به تکذیب پیامبران به‌وسیله آنها و نابود شدنشان اشاره شده، اما در مقابل، ابتلاها، امدادها و الطاف گوناگون خداوند نسبت به شماری از پیامبران نسبتاً مفصل بیان و برجسته شده است (ص: ۱۷-۴۹). از سوی دیگر فرجام نیک پرهیزکاران و نعمت‌های گوناگون خداوند به آنان در آخرت و بدفرجامی و عذاب‌های طغیانگران در جهنم با این هدف گزارش شده است (ص: ۴۹-۶۴). قطعاً همه این موارد مایه دلگرمی و قوت قلب پیامبر ﷺ می‌شد.

۸. بهترین پاسخ‌ها به تکذیب‌کنندگان

هدف سوره فرقان (چهل و دومین سوره مکی) دفاع از حقانیت دعوت پیامبر ﷺ و قرآن است، برای همین توجه ویژه‌ای به پاسخگویی در برابر درخواست‌ها، شبهات، تهمت‌های ناروا و استدلال‌های ناموجه مشرکان در مواجهه با پیامبر اکرم ﷺ شده (طباطبایی، ۱۳۱۷، ج: ۱۵، ص: ۱۷۳) و در ادامه، از دشمنی تبه‌کاران با همه انبیا خبر می‌دهد و اینکه خداوند در برابر سخنان ناروا، شبهات و بهانه‌های آنان هم به بهترین شکل پاسخ داده و پس از موعظه و انذار و اصرار آنان بر کفر، نابودشان کرده است (فرقان: ۴-۳۳). در ادامه اقوامی مانند عاد و ثمود به‌عنوان نمونه‌های تاریخی تبه‌کاران مخالف انبیا یاد می‌شوند که برای هدایت آنان نیز مثل‌ها و بهترین پاسخ‌ها آورده شد، ولی آنها در پی نپذیرفتن آن و اصرار بر کفر با عذاب الهی نابود شدند: «وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا» و كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكَلَّا تَبَرَّنَا تَتَبِيرًا» (فرقان: ۳۸-۳۹) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج: ۱۵، ص: ۲۰۵). این سوره برای انذار است و تبشیر در آن به چشم نمی‌خورد و بدون پرداختن به بیان جزئیات قصه اقوامی چون ثمود، تنها به‌گونه گذرا از آنان یاد می‌شود که



باوجود بهترین پاسخ‌های خداوند به ایرادهای آنان، بر کفر خویش اصرار و به سختی نابود شدند. این موضوع می‌تواند هشدارى به مشرکان قریش باشد که در صورت نپذیرفتن پاسخ‌های روشن خداوند به شبهات و اشکالاتشان، آنها نیز مانند اقوام یادشده گرفتار عذاب الهی خواهند شد.

۹. واکنش انسان‌ها نسبت به دعوت توحیدی در طول تاریخ

در سوره اعراف (سی و نهمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶) از یک سو دشمنی دیرینه شیطان با انسان و از سوی دیگر، دعوت پیوسته انسان از سوی انبیا به یگانه‌پرستی و نافرمانی از شیطان به‌عنوان دو جریان متضاد و پیوسته تاریخ گزارش و در ادامه، ضمن گزارش نمونه‌های مختلف از واکنش مثبت و منفی انسان‌ها نسبت به این دو جریان در دوره‌های مختلف تاریخی، از ایمان اقلیت و انکار اکثریت و پیامد رفتار هر یک از دو گروه در دنیا و آخرت خبر داده شده است (اعراف: ۱۱، ۳۰، ۳۵، ۱۷۸) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۸: ص ۶). قوم ثمود در این سوره نیز در چنین چارچوبی یاد شده‌اند، برای همین گزارش سوره اعراف درباره قوم ثمود اغلب متفاوت از گزارش دیگر سوره‌هاست و بیشتر به تصویر واکنش قوم ثمود در برابر دعوت صالح عليه السلام می‌پردازد. از این رو پس از بیان دعوت قوم ثمود به خداپرستی همراه با یادآوری نعمت‌های الهی و آوردن معجزه و هشدار درباره عذاب خداوند، رویارویی اشراف کافر قوم با مؤمنان مستضعف، گفت‌وگوی آنان بر سر رسالت صالح، تأکید مؤمنان بر ایمان خویش، اظهار کفر کافران و نابودی آنها در پی کشتن شتر و سرکشی پس از آن روایت شده‌اند. در این آیات که مربوط به دوره میانی دعوت حضرت صالح‌اند، پیدایش دودستگی میان قوم ثمود در پی ایمان گروهی از آنان (اقلیت) و درگیری آنها با یکدیگر برجسته‌تر شده است (اعراف: ۷۳-۷۸).

۱۰. خواست خداوند مبنی بر ارادی بودن ایمان

سوره شعراء چهل و هفتمین سوره مکی است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶). بر اساس آیات نخستین سوره، حرص شدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایمان آوردن مشرکان و

در نتیجه اندوه شدید وی در پی ایمان نیاموردن آنان، زمینه دیگری برای دلداری دادن به آن حضرت بود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ص ۲۴۹-۲۵۴). خداوند برای کاستن از اندوه وی و بیان یکی از سنت‌های الهی می‌فرماید که اگر اراده کند، می‌تواند با فرستادن آیتی مقهورکننده، همه آنان را به تسلیم شدن وادارد، ولی اراده الهی بر آن نیست که مردم هرچند از سر اجبار ایمان بیاورند. در ادامه از ایمان نیاموردن بیشتر مشرکان و عذاب الهی تکذیب‌کنندگان خبر داده (شعراء: ۳-۸) و به‌عنوان نمونه‌های تاریخی، بخشی از سرگذشت هفت پیامبر الهی و اقوام آنان از جمله صالح عَلَيْهِ السَّلَام و قوم ثمود را گزارش می‌کند تا ارادی بودن کفر و ایمان را به تصویر کشد، برای همین عنصر اصلی قصه‌های این سوره را گفت‌وگوی پیامبران الهی با اقوام خویش تشکیل می‌دهد. در این گفت‌وگوها که مربوط به آغاز رسالت پیامبران است، منطقی و مستدل بودن سخنان و آموزه‌های آنها و سست و تعصب‌آمیز بودن سخنان و مواضع مخالفان به‌خوبی بازتاب یافته و در پایان، نابودی کافران و نجات مؤمنان اقوام گزارش شده است (شعراء: ۱۰-۱۵۸). قصه قوم ثمود نیز همین سبک و سیاق را دارد. در بخش نخست آیات، صالح عَلَيْهِ السَّلَام قوم ثمود را به تقوای الهی و پیروی از خویش دعوت و خود را رسولی امین می‌خواند که هیچ مزدی برای رسالتش نمی‌خواهد (شعراء: ۱۴۱-۱۴۵).

در بخش دوم درباره ناکارآمدی امکانات و دارایی ثمودیان، به‌ویژه باغ‌ها و خانه‌هایشان در دل کوه‌ها در برابر عذاب الهی هشدار داده و دوباره آنان را به تقوای الهی و پیروی از خویش دعوت و از پیروی مسرفان فسادانگیز باز می‌دارد (شعراء: ۱۴۶-۱۵۲). بخش سوم آیات، پاسخ قوم ثمود به دعوت آن حضرت را گزارش می‌کند. بیشتر قوم ثمود وی را جادوشده، بی‌خرد و بشری مانند خود خوانده و از وی می‌خواهند برای اثبات پیامبری خویش معجزه بیاورد (شعراء: ۱۵۳-۱۵۴). صالح عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به درخواست آنان، ماده شتری را به‌عنوان معجزه الهی آورده و درباره آسیب رساندن به آن هشدار می‌دهد، اما اکثریت آنها (کافران) سرانجام با پی کردن ناقه و باوجود پشیمانی از کار خویش، در پایان موعد مقرر با عذاب الهی هلاک می‌شوند (شعراء: ۱۵۵-۱۵۸).



گزارش سخنان منطقی و مستدل پیامبران یادشده از جمله صالح علیه السلام و پاسخ‌ها و مواضع سست، نابخردانه و تعصب‌گرایانه اقوام آنان، ایمان و نجات اقلیت و کفر اکثریت و نابودی آنها، در سال‌های آغازین رسالت پیامبر اسلام می‌توانست از جهات گوناگون مایه دلداری آن حضرت و اندک پیروان وی و هشدار برای مشرکان باشد. این قصه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه خداوند حجت را برای همه اقوام تمام کرده است و هیچ قومی وادار به ایمان آوردن نشده‌اند و در نهایت باوجود تلاش فراوان پیامبران، راه کفر را در پیش گرفته‌اند و مشرکان مکه نیز همانند آنان رفتار می‌کنند.

۱۱. هشدار درباره دسیسه کشتن پیامبران

سوره نمل چهاردهشتمین سوره مکی است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶). هدف اصلی سوره با توجه به پنج آیه نخست و آخر (نمل: ۱-۵، ۸۹-۹۳)، هشدار به کافران و گنهکاران و نوید دادن به مؤمنان درستکار است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ص ۳۳۹). قصه قوم ثمود نیز با همین رویکرد به‌صورت خلاصه آمده و عنصر اصلی آن را حادثه تشکیل می‌دهد؛ با این تفاوت که در بیشتر آیات این سوره، اقدامات کافران قوم در مقابله با صالح علیه السلام، خنثی‌سازی آنها و نابودی کافران روایت می‌شود. این آیات از نظر زمانی مربوط به پس از کشتن ناقه صالح علیه السلام (دوره سوم) است. در این زمان آنها پس از مدت‌ها به دو گروه متخاصم مؤمن و کافر تقسیم شده بودند و کافران پس از پی کردن ناقه، به تمسخر سراغ عذاب موعود را می‌گرفتند. حضرت صالح علیه السلام به آنان می‌گفت: «چرا به‌جای اینکه به‌وسیله ایمان و عمل صالح در پی خوبی‌ها باشید، در طلب بدی (عذاب) هستید و از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟! شاید مورد رحمت الهی قرار گیرید» (نمل: ۴۵-۴۶).

کافران با اشاره به پیدایش دودستگی میان قوم با آغاز دعوت توحیدی صالح علیه السلام، آن حضرت و مؤمنان پیرو او را بدشگون خواندند، اما صالح علیه السلام رنج‌ها و مشکلات پیش‌آمده را نتیجه کردار ناشایست خود آنان خواند (نمل: ۴۷). در نهایت گروهی از تبهکاران قوم به‌عنوان راهکار نهایی با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند

که شبانه و به صورت ناشناس، صالح عليه السلام و خاندان وی را کشته و از آن اظهار بی‌اطلاعی کنند، اما خداوند ضمن خستی کردن دسیسه تبهکاران، همه کافران را نابود و مؤمنان را نجات می‌دهد و در پایان با اشاره به خالی ماندن خانه‌های ثمود از سکنه، آن را مایه عبرت آگاهان می‌خواند: «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ* قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ* وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ...» (نمل: ۴۸-۵۳).

مفسران عذاب قوم ثمود را عذاب استیصال (= ریشه‌کن کننده) گفته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج: ۱، ص ۳۷۱). آیات قرآن مؤید این نظر بوده و به روشنی می‌رساند که همه کافران قوم با عذاب الهی نابود شدند (نمل: ۵۱). این گونه پرداخت از داستان ثمود، در کنار تبشیر، بیشتر جنبه انذاری دارد و درباره برخورد با انبیا عليهم السلام و دسیسه بر ضد آنان هشدار می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج: ۱۵، ص ۳۷۲)

۱۲. حکمت ندادن معجزات پیشنهادی

بر اساس سوره اسراء (پنجاهمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج: ۱، ص ۱۳۶)، مشرکان قریش می‌گفتند: چنانچه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم معجزات درخواستی آنان مانند جاری ساختن چشمه و ... را بیاورد، ایمان می‌آورند (اسراء: ۹۰-۹۳). خداوند این درخواست را نپذیرفته و در بیان سبب آن، از اقوام پیشین و به‌طور مشخص قوم ثمود یاد می‌کند که باوجود دیدن معجزات درخواستی، آنها را تکذیب و در پی آن، با عذاب استیصال نابود شدند و از آنجا که معجزات برای بیم دادن مردم است و خداوند نمی‌خواهد قریش را نابود سازد، معجزات درخواستی آنان را نمی‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج: ۱۳، ص ۱۳۴)؛ زیرا آنان هم مانند اقوامی مانند ثمود ایمان نیاورده و معجزه درخواستی خود را تکذیب خواهند کرد. در اینجا بدون پرداختن به جزئیات دیگر، فقط از دادن ماده‌شتر به ثمود، وصف آن به‌عنوان آیتی روشن و ستم ثمود به خویشان در پی تکذیب آن یاد شده است: «وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا» (اسراء: ۵۹).



۱۳. یکی بودن اساس دعوت انبیا و سیر تاریخی آن

سوره هود پنجاه و دومین سوره مکی است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶) و همه آیات آن یکباره و در آخرین سال‌های دوران مکی و پس از درگذشت حضرت ابوطالب و خدیجه نازل شده است. در این زمان مسلمانان با بدترین آزار مشرکان مواجه بودند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۱۸۳۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۱۳۴). بر اساس آیات آغازین سوره هود، قرآن حقیقت واحدی را بیان می‌کند و معارف دیگر با همه تنوع، شرح آن می‌باشند. دعوت به یگانه‌پرستی، اصلی‌ترین آموزه و در پی آن دعوت به استغفار از گناه، توبه، وعده عذاب کافران، نجات و پاداش مؤمنان و بازگشت نهایی همگان به سوی خدا، پیام‌های اصلی قرآن و شاخه‌های گوناگون یگانه‌پرستی‌اند (هود: ۱-۴). در ادامه با گزارش بخش‌هایی مهم از تاریخ انبیای گذشته، از حضرت نوح تا پیامبر اسلام ﷺ، افزون بر ترسیم پیوستگی و سیر تاریخی دعوت به توحید و وحدت محتوایی آن در دوره‌های گوناگون، نمونه‌هایی متفاوت از شرح و بسط آموزه‌های مزبور (یگانه‌پرستی، توبه، استغفار، عذاب کافران، پاداش مؤمنان، بازگشت به سوی الله) و تصویر عینی و تاریخی آن ارائه شده است (هود: ۲۵-۱۰۰) (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۱۸۴۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ج ۱۳۵)، برای همین در حکایت قصه قوم ثمود، ابتدا بعثت صالح ﷺ و درون‌مایه اصلی دعوت او (یگانه‌پرستی) و پس از آن، توصیه به استغفار، توبه و نیز واکنش ابتدایی ثمود به دعوی رسالت وی و پاسخ آن حضرت گزارش شده است. در ادامه، ارائه ناقه به‌عنوان معجزه از سوی صالح ﷺ، هشدار وی به قوم خویش درباره آسیب‌رسانی به آن و گرفتار شدن به عذاب الهی، پی کردن شتر، هلاکت کافران قوم و نجات صالح ﷺ و پیروانش روایت شده‌اند: «وَالَّذِي تُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...» (هود: ۶۱-۶۸). این سوره که گزارش به‌نسبت کاملی از آغاز و فرجام دعوت چندین پیامبر از جمله صالح ﷺ را بیان می‌کند، نسبت دعوت پیامبر اسلام با پیامبران گذشته را روشن کرده و آن را ادامه دعوت آنها معرفی می‌کند. این سوره افزون بر تبشیر و دلگرمی و دلداری دادن به پیامبر و مسلمانان، بیشتر جنبه انذار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۱۳۶) و تصویری از نابودی سریع، منظره

عبرت‌انگیز و تأثیربار ثمود و زیستگاه آنان در پی عذاب ارائه و از آن ابراز شگفتی شده است. (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ص ۱۹۰۹)

۱۴. تکذیب انبیا، شیوه رایج تبهکاران

در سوره حجر (پنجاه و چهارمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، پس از گزارش استهزای پیامبر ﷺ، نسبت جنون به وی و درخواست آوردن فرشتگان به عنوان گواه صدق رسالت، برای دلداری ایشان، به استهزای پیامبران پیشین به عنوان شیوه رایج تبهکاران و برخی مصادیق تاریخی آن اشاره و انذار و تبشیر می‌شود (حجر: ۶-۱۳ و ۴۹-۵۰). در این سوره که آهنگ و لحنی موزون مانند سوره‌های نخست مکی دارد، از ثمود با عنوان «اصحاب الحجر»، رویگردانی آنان از معجزه الهی، خانه‌سازی آنان در دل کوه‌ها برای مصون ماندن از خطرهای گوناگون، ناکارآمدی کامل این خانه‌ها و نابودی ثمود با یک خروش آسمانی در صبحگاهان یاد شده است (حجر: ۸۰-۸۴). (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ص ۱۷۱-۱۸۶) ارائه تصویری از اوج ناتوانی و ناچیز بودن قدرت اقوام یادشده در این سوره (قوم لوط، اصحاب ایکه و ثمود) در برابر عذاب و قدرت الهی، از نکات مورد اهتمام قرآن و از عناصر اثرگذار در انذار است. آگاهی از وجود خطر و زمان آن، حفظ بیداری و هشیاری کامل و نیز برخورداری از نفرت و امکانات کافی، از مؤلفه‌های بسیار اثرگذار در توان دفاعی‌اند. ثمودیان با وجود برخورداری از همه موارد یادشده نتوانستند کوچک‌ترین واکنش دفاعی در برابر عذاب الهی نشان دهند و صیحه آسمانی صبحگاهان فرود آمد و همه کافران را نابود کرد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ص ۱۲۸). حتی خانه‌های محکم در دل کوه‌ها و صخره‌ها و ثروت و نفرت زیاد آنان هم به حالشان سودی نکرد: «فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (حجر: ۸۴). (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ص ۵۲۹؛ فخررازی، بی تا، ج ۱۹: ص ۲۰۵؛ قرطبی، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ص ۵۳)

۱۵. هشدار درباره رویگردانی از قرآن کریم

هدف اصلی سوره فصلت (شصت و یکمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، بیان رویگردانی بیشتر مشرکان مکه از قرآن است. آنان با این سخن که



گفته‌های پیامبر ﷺ را نمی‌فهمند و گوش‌هایشان سنگین است، از وی خواستند هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. مشرکان به اقتضای رویگردانی از قرآن، اصول سه‌گانه توحید، نبوت و معاد را نیز نمی‌پذیرفتند، برای همین بخشی از سوره به این موضوعات می‌پردازد (فصلت: ۴-۱۲) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ص ۳۵۹). خداوند با ارائه برخی پاسخ‌ها برای روشن‌گری مشرکان، از پیامبر ﷺ می‌خواهد به آنان هشدار دهد که با وجود این دلایل روشن و در صورت نپذیرفتن دعوت توحیدی، به صاعقه‌ای مانند صاعقه عاد و ثمود گرفتار خواهند شد. قوم عاد و ثمود نیز در مواجهه با دعوت پیامبران خویش، به بهانه اینکه اگر خدا می‌خواست فرشتگان را برای هدایت آنان می‌فرستاد، دعوت و رسالت توحیدی آنها را رد کردند: «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ۚ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (فصلت: ۱۴-۱۳). آن‌گاه به سبب نابودی ثمود اشاره می‌کند که با وجود هدایت الهی، به بیراهه رفتند و با عذاب خوارکننده نابود شدند، اما مؤمنان پرهیزکار قوم نجات یافتند (فصلت: ۱۷-۱۸).

۱۶. هشدار درباره باور نکردن وعده‌های الهی

بر اساس سوره ذاریات (شصت و هفتمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، مشرکان قریش منکر معاد و روز جزا بودند (ذاریات: ۱۲)، برای همین مسأله معاد، روز جزا بودن آن و صادق بودن وعده خداوند مبنی بر عذاب تکذیب‌کنندگان در دنیا و آخرت، در پاسخ به مشرکان مکه برجسته شده است. برای اثبات این آموزه‌ها، به ادله توحید، آیات الهی در زمین و آسمان و بیان عذاب اقوام گذشته از جمله قوم ثمود استناد و برای فراهم ساختن زمینه روانی لازم برای پذیرش آموزه‌های معادشناختی و صادق و حتمی بودن وعده‌های الهی، سوگندهای متعدد یاد و در ادامه، وعده عذاب به اقوامی مانند ثمود و تحقق آن به‌عنوان نمونه عینی از تحقق وعده‌های الهی یادآوری می‌شود: «وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ۚ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ» (ذاریات: ۱-۲۳ و ۴۳-۴۵). (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ص ۳۶۴)

پس از پی کردن ناقه به ثمودیان گفته شد تا چندی از نعمت‌های دنیا بهره ببرید و در این مدت به خود آییند و به فرمان الهی گردن نهید، اما آنان سرپیچی کردند و درحالی که بیدار و نگاه خیره خود را به صاعقه دوخته بودند، گرفتار عذاب شدند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷: ص ۹؛ طوسی، بی تا، ج ۹: ص ۳۹۳). عذاب چنان شدید و کوبنده بود که آنان بدون کوچک‌ترین واکنشی، حتی نتوانسته‌اند از جای خود تکان خورده، از کسی یا چیزی یاری بطلبند (ذاریات: ۴۵) (طوسی، بی تا، ج ۹: ص ۳۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ص ۳۸۱). بیان این گونه جزئیات درباره عذاب ثمود، زمینه را فراهم می‌کند تا مخاطب، صادق بودن وعده الهی برای عذاب منکران را بهتر درک و فهم کند.

۱۷. شکست‌ناپذیری و بی‌نیازی خدا

وصف شکست‌ناپذیری و بی‌نیازی مطلق خداوند، زمینه دیگری برای یادکرد اقوامی مانند ثمود است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: صص ۶ و ۱۷). در سوره ابراهیم (هفتاد و دومین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، قرآن وسیله هدایت مردم از تاریکی به سوی نور و راه مستقیم خدا خوانده شده و اینکه خداوند بی‌نیاز مطلق و شکست‌ناپذیر است و در صورتی که مردم دعوت توحیدی را نپذیرند، آنان را از بین برده و اقوام دیگری را جایگزین می‌کند؛ همان گونه که با اقوام گذشته چنین کرد (ابراهیم: ۱-۳) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ص ۶). این موضوع از زبان موسی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به بنی اسرائیل نیز گزارش می‌شود. آن حضرت با بی‌نیاز خواندن خدا از ایمان همه ساکنان روی زمین و اشاره به سرگذشت اقوامی مانند ثمود، به بنی اسرائیل هشدار می‌دهد که در صورت کفر ورزیدن، خداوند آنان را نیز نابود و اقوام دیگری را جایگزین آنان می‌کند: «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ...» (ابراهیم: ۸-۱۸). در این آیات بدون پرداختن به شرح جداگانه قصه هر یک از اقوام از جمله قوم ثمود، به محورهای مشترک دعوت، استدلال و پاسخ پیامبران و برخوردها و بهانه‌های یکسان اقوام کافر با آنان و فرجام همانند آنها اشاره شده است.



۱۸. هشدار درباره پیامد تکذیب معاد

هدف اصلی سوره حاقّه (هفتاد و هشتمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶)، بیان ویژگی‌های روز قیامت است و سرگذشت اقوامی چون عاد و ثمود نیز به اجمال (حاقّه: ۱-۱۲) و با هدف ارائه تصویری عبرت‌انگیز از پیامد تکذیب روز قیامت و هشدار به مخاطبان آمده است تا زمینه مناسب روانی برای طرح و پذیرش آموزه‌های معادشناختی فراهم شود، از این رو به‌جای گزارش مبسوط، به گزارش گزیده‌ای درباره هلاکت همه کافران عاد و ثمود با عذاب خارق‌العاده الهی در پی تکذیب روز قیامت بسنده شده است: «كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ * فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ» (حاقّه: ۴-۵). تعبیر «الطَّاغِيَةِ» حاکی از آن است که عذاب عاد و ثمود بسیار هولناک، ویرانگر و بسیار فراتر از نمونه‌های عادی بوده است. (تعلیبی، ۱۴۳۳ق، ج ۱۰: ص ۲۶؛ فخررازی، بی‌تا، ج ۳۱: ص ۱۹۵)

۱۹. آزمودن ایمان انسان‌ها

در سوره عنکبوت (هشتاد و پنجمین سوره مکی) (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶) با اشاره به تلاش مشرکان مکه برای جلوگیری از ایمان آوردن مردم و نیز برای ارتداد برخی از مسلمانان، ابراز زبانی ایمان به خدا را ناکافی دانسته و از سنت دیرین الهی مبنی بر آزمایش عملی ایمان افراد با سختی‌های این راه برای آشکار کردن میزان صداقت آنان سخن گفته شده است (عنکبوت: ۲-۱۳). در ادامه با اشاره به سرگذشت شماری از اقوام گذشته مانند ثمود، پیشینه این آزمون و کارنامه گذشتگان در این باره ترسیم می‌شود. بر این اساس برخی اقوام همگی در آزمون الهی مردود و هلاک و برخی دیگر مردود و هلاک گشتند: «وَعَادًا وَثَمُودًا... وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (عنکبوت: ۱۴-۳۸) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ص ۹۸). پرداختن به نقش شیطان در جلوگیری از ایمان ثمود و زیبا جلوه دادن کارهای زشت در نظر آنها می‌تواند اشاره به موانع پیش رو و زمینه آزمون الهی آنان باشد. همچنین قرآن با اشاره به ویرانه‌ها و آثار برجای مانده از

زیستگاه نمود، مردم را به عبرت‌آموزی از آنها فرا خوانده و نسبت به تکذیب آیات و انبیای الهی هشدار می‌دهد.

۲۰. دلداری به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پی جنگ مشرکان با وی

سوره حج، صدوچهارمین سوره نازل‌شده (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶) و نخستین سوره مدنی است که در آن از قوم ثمود یاد می‌شود. در پی آزار و اذیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان و اخراج آنها از خانه و کاشانه خویش، خداوند ضمن تأکید بر دفاع خود از مؤمنان و دادن اذن جهاد به مسلمانان (حج: ۳۸-۴۰) (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ص ۳۸۲)، برای دلداری و تقویت روحیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان و هشدار به مشرکان، به تکذیب پیامبران پیشین به وسیله اقوامی مانند عاد و ثمود و در نتیجه نابودی آنان اشاره می‌کند: «وَأِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ...» (حج: ۳۹-۴۴). در ادامه، مشرکان ترغیب می‌شوند که با گشت‌وگذار در روی زمین و مشاهده ویرانه‌های برجای مانده از اقوام نابودشده، از آن عبرت گیرند (حج: ۴۵-۴۶).

۲۱. هشدار به منافقان درباره دسیسه کشتن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سوره توبه صدوچهاردهمین سوره نازل‌شده و دومین و آخرین سوره مدنی است که در آن از قوم ثمود یاد شده است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۱۳۶). این سوره درباره پیامد توطئه قتل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هشدار می‌دهد. وقتی توطئه نافرجام منافقان برای ترور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازگشت از جنگ تبوک و سخنان کفرآمیز آنان آشکار شد، منافقان گفتند که قصد شوخی و بازی داشتند. خداوند این کار آنان را استهزای خدا، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آیات الهی خوانده (توبه: ۶۴-۶۵) و با تشبیه آنها به کافرانی مانند قوم ثمود، درباره پیامد کارشان هشدار می‌دهد؛ با تأکید بر اینکه آنان باوجود ثروت، قدرت و جمعیت بیشتر نسبت به شما، در پی تکذیب و تمسخر آیات و پیامبران الهی، با عذاب خدا نابود شدند: «... كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ



قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا... * أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
إِبْرَاهِيمَ...» (توبه: ۶۹-۷۰).

سوره غافر نیز با چنین کارکردی به قصه ثمود اشاره می‌کند. در پی تصمیم
فرعونیان برای کشتن حضرت موسی عليه السلام، مؤمن آل فرعون تلاش کرد تا با سخنان
خود آنان را از این کار برحذر دارد. وی در ضمن گفته‌های خویش، با اشاره به
نابودی اقوامی مانند عاد و ثمود، در پی تکذیب پیامبران خویش، درباره دچار شدن
به چنین سرنوشتی هشدار داد: «و قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ
الْأَحْزَابِ * مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ» (غافر: ۲۶-۳۱).

نتیجه گیری

هر یک از سوره‌های قرآن در شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و روانی نازل
شده و دارای هدف یا اهداف مشخصی است. هدف هر سوره‌ای بسان محور
مرکزی، موجب همبستگی درونی آیات آن به‌شمار رفته و آنها را باوجود پراکندگی
موضوعات، به هم پیوند می‌دهد.

بخشی از قصه‌های قرآن با توجه به اهداف گوناگون سوره‌ها، بارها از زوایای
مختلف، در شرایط متفاوت و به شکل‌های گوناگون روایت شده‌اند. روایت‌ها و
پرداخت‌های قرآن از یک قصه در سوره‌های مختلف هرچند از جهات مختلف
کاملاً تفاوت دارند، اما تفاوت اصلی آنها در به‌کارگیری این قصه‌ها متناسب با
هدف اصلی هر سوره نهفته است و تفاوت‌های دیگر کاملاً در تناسب با هدف
سوره‌اند. برای نمونه، قرآن کریم قصه ثمود را به‌صورت‌های گوناگون برای این
اهداف به‌کار گرفته است: هشدار درباره پیامد سرکشی و فسادانگیزی، دسیسه برای
کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، رویگردانی از قرآن و باور نکردن وعده‌های الهی، هشدار به
شکنج‌گران مؤمنان، منکران معاد و تکذیب‌کنندگان معجزات الهی، بیان توحید در
ربوبیت و واکنش انسان‌ها به دعوت توحیدی در طول تاریخ، بیان ارادی بودن
ایمان انسان‌ها، حکمت ندادن معجزات پیشنهادی مشرکان، بیان یکی بودن اساس

دعوت همه پیامبران، شکست‌ناپذیری خداوند، آزمودن ایمان انسان‌ها و دلداری دادن به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. بغدادی، محمدبن حبیب (بی‌تا)، *المحبر*، بیروت: دار الآفاق الجديده.
۳. بکری، عبدالله (۱۹۹۲)، *معجم ما استعجم*، به کوشش مصطفی السقا، بیروت: عالم الکتب.
۴. بلاشر، رژی (۱۳۷۸)، *درسنامه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ثعلبی، احمدبن محمد (۱۴۳۳ق)، *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: ابومحمدبن عاشور، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جزری، ابن اثیر (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش عبدالله القاضی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. حسینی، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، *مبانی هنری قصه‌های قرآن*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۸. حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *تفسیر روح البیان*، به کوشش احمد عبیدو، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. حکیم، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، *علوم القرآن*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۰. حموی، یاقوت (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
۱۱. خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۱۸ق)، *التفسیر الموضوعی بین النظریة و التطبيق*، اردن: دار النفائس.
۱۲. خمینی، سید مصطفی (۱۳۶۲)، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران: وزارت ارشاد.
۱۳. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق)، *التفسیر الحدیث*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
۱۴. زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، به کوشش المندوق، بیروت: دار الفکر.
۱۶. شاذلی، سیدبن قطب (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره: دار الشروق.



۱۷. شاطبی، ابراهیم بن موسی (بی تا)، *المواقفات فی اصول الشریعه*، بی جا: دارالفکر.
۱۸. شحاته، عبدالله (۱۹۹۸)، *اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن*، قاهره: هیئته المصریه العامه.
۱۹. شوقی، ابوخلیل (۲۰۰۳)، *اطلس السیره النبویه*، چاپ دوم، دمشق: دار الفکر.
۲۰. صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: اسماعیلیان.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲۳. طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۳ق)، *تاریخ طبری*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲۴. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۵ق)، *جامع البیان عن تفسیر آی القرآن*، به کوشش خلیل المیس، بیروت: دار الفکر.
۲۵. طنطاوی، سید محمد (۱۴۱۲ق)، *التفسیر الوسیط*، قاهره: دار المعارف.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، *تفسیر التبیان*، دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. فخر رازی، محمدبن عمر (بی تا)، *التفسیر الکبیر*، بی جا: بی نا.
۲۸. قنّامی، حمودبن ضاوی (۱۴۱۲ق) *شمال الحجاز*، بی جا: العصر جدید.
۲۹. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۷۳)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کلیبی غرناطی، محمدبن جزی (۱۴۰۳ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۱. گلدزیهر، ایگناز (۱۳۵۷)، *درسهایی درباره اسلام*، تهران: کمانگیر.
۳۲. گلن، ویلیام گلن؛ مرتن، هنری (۱۳۸۰)، *کتاب مقدس*، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر.
۳۳. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۱ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: نشر اسلامی.
۳۴. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت: تاریخ العربی.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. یعقوبی، احمد (بی تا)، *تاریخ البیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

